

نقش بزرگ مشاغل

خرد و کوچک در اقتصاد

به اعتقاد بسیاری از اقتصاددان‌ها، نوآوری و کارآفرینی با مشاغل کوچک آغاز می‌شود و تحقیقات نشان داده بیش از ۹۵ درصد از نوآوری‌ها، مربوط به این نوع کسب‌وکارها است. کارآفرینی، فناوری، پویایی صنعتی، نوآوری و ایجاد فرصت‌های شغلی و کسب درآمد از مزیت‌های کسب‌وکارهای خرد و کوچک به شمار می‌رود و در حال حاضر تولید محوری جای خود را به مشتری محوری داده، ساختارهای صنعتی و کسب‌وکار دچار تغییر و تحول شده و ترویج کسب‌وکارهای کوچک از شاخصه‌های ساختار جدید اقتصادی و کارآفرینی محسوب می‌شود.

نباید سهم مشاغل و کسب‌وکارهای کوچک را در رشد و توسعه اقتصادی کشور نادیده گرفت و در برخی مناطق و کشورها برای نیل به این هدف، مشوق‌ها و سیاست‌گذاری‌های اعمال می‌شود تا کارآفرینان، ایده‌های خلاقانه و اقتصادی را به منصه ظهور رسانند.

تکیه کسب‌وکارهای خرد به سرمایه‌گذاری پایین، نوآوری محصولات و روش‌های نوین و بهره‌مندی از جاذبه‌های منحصربه‌فرد و فروان، این نوع مشاغل را در کانون توجه قرار داده است و می‌تواند بستری مناسب برای افزایش صادرات و اختراعات و نوآوری باشد و به عنوان الگویی موفق برای توانمندسازی اقتصادی هر منطقه قلمداد شود.

طی دو دهه اخیر، سه تحول اساسی در اقتصاد جهانی رخ داد که موجبات رشد بیشتر فعالیت‌های اقتصادی کوچک را نسبت به فعالیت‌های بزرگ فراهم ساخت؛ این تغییرات عبارتند از:

الف) شدت یافتن رقابت جهانی، توسعه حمل‌ونقل، تحول در تبادل اطلاعات و فناوری ارتباطات که موجب افزایش مبادلات بازرگانی و وحدت اقتصاد جهانی شد.

ب) افزایش بی اطمینانی که تأثیر مستقیم بر رشد نرخ بهره، تورم و بیکاری، ناپایداری نرخ تسعیر ارز و افت شدید نرخ رشد کشورهای صنعتی داشت.

ج) تشدید تقسیم بازارها ناشی از رشد تقاضای مصرف‌کنندگان برای تولیدات متنوع که این تحول، صنایع را مجبور ساخت تا تأکید بیشتری بر تنوع محصولات داشته باشند.

در تحلیل‌های اقتصادی برای تولید یک محصول گاهی مزایای صنایع بزرگ بیشتر است و گاهی مزایای صنایع کوچک، بررسی‌ها نشان داده است که جز در برخی موارد (مثل تولید کالاهای پتروشیمی و مواد اولیه)، می‌توان از مزیت صنایع کوچک و متوسط برای تولید اغلب کالاهای استفاده کرد.

مزیت‌ها و منافع صنایع کوچک

۱- اثر حمل‌ونقل: هزینه ارسال محصول به مشتری با آوردن مشتری به محل ارائه خدمات نیز وجود دارد که سهم قابل‌ملاحظه‌ای از هزینه تمام‌شده برای مصرف‌کننده را تشکیل می‌دهد. اگر پراکندگی جغرافیایی تقاضا با پراکندگی جغرافیایی عرضه همراه شود هزینه‌ها کاهش می‌یابد، اما اگر عرضه به صورت متمرکز و بدون توجه به پراکندگی تقاضا باشد، افراد برای تهیه کالای موردنیاز خود مجبور خواهند بود که هزینه حمل‌ونقل تا محل عرضه را نیز متحمل شوند. بدین ترتیب کوچک بودن، حداقل در سطح بنگاه، کارخانه و مغازه شانس بیشتری برای موفقیت دارد.

۲- اثر اندازه بازار: بازار کوچک، صنایع کوچک را طلب می‌کند. امروزه با توجه به تغییر ذائقه مصرف‌کنندگان و میل به‌سوی تنوع‌طلبی، جای کار را برای صنایع بزرگ با تولید انبوه تقریباً از بین برده و بنگاه‌های بزرگ در صورتی می‌توانند در بازار بمانند که از انعطاف‌پذیری فوق‌العاده‌ای برخوردار باشند، اما اغلب چنین نیست. نتیجه اینکه امتیاز خاصی برای صنایع بزرگ در بازارهای که به بخش‌های کوچک‌تری تقسیم‌شده‌اند، وجود ندارد.

۳- اثر تنظیم: صنایع کوچک می‌توانند با هزینه کمتری نسبت به صنایع بزرگ سطح تولید خود را تنظیم کنند.

۴- مؤثر بودن: مؤثر بودن، مبتنی بر این اصل است که محصولات و خدمات مختلف برای افراد مختلف معنی متفاوت دارند. برای مثال پیراهن معمولی که در بازار به صورت آماده موجود است، با پیراهنی که خیاط برای فرد مشخصی به صورت سفارشی دوخته است، یکی نیست. طبیعتاً یک کارخانه پیراهن‌دوزی می‌تواند پیراهن‌های نوع اول را به قیمتی ارزان‌تر از خیاط بدوزد، ولی افراد می‌توانند پیراهن‌های مخصوص را به طور موثرتری از خیاط تهیه کنند.

۵- اثر کنترل: این اثر یک متغیر به‌شدت رفتاری بوده و به‌سختی قابل‌اندازه‌گیری است. در محیط‌های کوچک، انرژی کارآفرینی و تکاپوی سازمانی را می‌توان به شکل بهتر و مطلوب‌تری «کنترل» و به‌خوبی «هدایت» کرد.

گزارش صناعت به بهانه روز حمایت از صنایع کوچک

نسخه پسا جنگ برای نجات صنایع کوچک



صنایع کوچک؛ حلقه‌ای که نباید در بازسازی اقتصاد فراموش شود

نخستین ضرورت در این مسیر، کاهش پیچیدگی‌های مالیاتی است. نظام مالیاتی زمانی می‌تواند به بهبود محیط کسب‌وکار کمک کند که برای تولیدکننده قابل فهم، شفاف و قابل پیش‌بینی باشد. تعدد مقررات، فرایندهای پیچیده و وابستگی بخشی از فرآیند مالیات‌ستانی به تشخیص‌های انسانی، هزینه‌ای مضاعف بر بنگاه‌های کوچک تحمیل می‌کند. در شرایطی که هدف اصلی باید حفظ تولید و اشتغال باشد، اصلاح این ساختار و حرکت به سمت نظامی ساده‌تر و شفاف‌تر می‌تواند بخشی از فشار موجود بر صنایع کوچک را کاهش دهد.

در کنار مالیات، مسئله مجوزهای کسب‌وکار همچنان یکی از موانع مهم فعالیت اقتصادی است. تولیدکننده‌ای که برای آغاز یا توسعه فعالیت خود با فرایندهای طولانی و دستگاه‌های متعدد مواجه می‌شود، بخشی از سرمایه و زمان خود را به جای تولید صرف عبور از بروکراسی می‌کند. اجرای واقعی قانون تسهیل صدور مجوزها و تقویت نقش درگاه ملی مجوزها می‌تواند یکی از کم‌هزینه‌ترین ابزارهای دولت برای حمایت از تولید باشد. کاهش زمان و هزینه ورود به فعالیت اقتصادی، در نهایت به معنای افزایش انگیزه سرمایه‌گذاری و ایجاد فرصت‌های جدید اشتغال است.

سه مسیر کم‌هزینه دولت برای نجات صنایع کوچک

به سمت مالیات بر تراکنش، یکی از بهترین حمایت‌ها از کسب‌وکارهای خرد و صنایع کوچک به‌شمار می‌رود که در صورت اقدام دولت در زمینه، شاهد حمایت واقعی از صنایع خرد، بهبود ویژه محیط کسب‌وکار خرد کشور و پیش‌بینی‌پذیری بسیار مناسب اقتصاد از منظر مالیاتی خواهیم بود.

مجوزها؛ گره بروکراسی بر پای تولید

طهماسبی‌فر در ادامه افزود: دومین مسئله تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار است؛ یکی از مهم‌ترین مشکلات توسعه کسب‌وکارها و همچنین شروع راه‌اندازی یک کسب‌وکار خرد و صنعت کوچک، مسئله مربوط به مجوزهای کسب‌وکار است؛ در این بخش حتی قانون تسهیل صدور مجوزها و همچنین درگاه ملی مجوزها نیز ایجاد شده است اما متأسفانه در حوزه اجرای قانون و تمکین دستگاه‌های دولتی مانند وزارت صمت و دستگاه‌های تابعه و همچنین وزارت نیرو و دستگاه‌های تابعه و همه دستگاه‌های مجوزده در زمینه صنایع کوچک، همکاری مناسب را نداشته‌اند و وضعیت صدور مجوزها با وجود اصلاح در شرایط محدودی در پایان دوره دولت شهید رئیسی، پس از آن هیچ توفیقی نداشته است و هر روز بدتر از روز قبل می‌شود؛ از همین رو اگر دولت بنا دارد که به‌طور جدی از صنایع خرد و کوچک و صاحبان آن حمایت کند؛ باید به معنای واقعی کلمه، پسینی کردن صدور مجوزها را پیگیری کند و صدور مجوزها صرفاً از درگاه ملی مجوزها و استعلامات خاموش ذیل آن را به‌طور کامل پیگیری نماید. در صورت تسهیل صدور مجوزها، بیشترین حمایت در حوزه کاهش بروکراسی به نفع تولیدکنندگان رقم خواهد خورد و تحولی عظیم در حوزه اشتغال‌زایی و توسعه صنایع خرد و کوچک رقم خواهد خورد.

حق بیمه قرارداد؛ هزینه‌ای مضاعف بر تولید

وی با اشاره به سه‌ومین راه‌حل حمایتی در دسترس دولت در جهت تقویت صنایع خرد و کوچک گفت: سه‌ومین مسئله نیز مرتبط با موضوع بیمه تامین اجتماعی است. بزرگ‌ترین مشکل حال حاضر توسعه و

اقتصاد ایران در دوره پسا‌جنگ با مجموعه‌ای از فشارهای هم‌زمان روبه‌روست؛ از ضرورت بازسازی و حفظ ظرفیت‌های تولیدی گرفته تا تأمین اشتغال، کنترل هزینه‌های بنگاه‌ها و بازگرداندن پیش‌بینی‌پذیری به محیط کسب‌وکار. در این میان، صنایع کوچک و بنگاه‌های خرد بیش از بنگاه‌های بزرگ در برابر شوک‌های اقتصادی آسیب‌پذیرند؛ چراکه محدودیت نقدینگی، پیچیدگی‌های اداری و افزایش هزینه‌های تولید می‌تواند در مدت کوتاهی فعالیت آنها را با اختلال مواجه کند و به کاهش اشتغال و خروج سرمایه از بخش مولد بینجامد. با این حال، حمایت از این بخش الزاماً به معنای اختصاص منابع مالی جدید از بودجه عمومی نیست و بخشی از موانع موجود را می‌توان با اصلاح رویه‌ها، کاهش بروکراسی و بازنگری در سازوکارهای مالیاتی، صدور مجوز و تأمین اجتماعی برطرف کرد. مسئله اصلی این گزارش صناعت آن است که دولت در شرایط پسا‌جنگ تا چه اندازه می‌تواند با استفاده از ابزارهای در دسترس و بدون تحمیل هزینه جدید به بودجه، زمینه فعالیت و توسعه صنایع کوچک را فراهم کند؟ آیا اصلاح مقررات و حذف موانع موجود می‌تواند جایگزین بخشی از حمایت‌های پرهزینه شود و به بنگاه‌های کوچک فرصت دهد در دوره بازسازی اقتصاد، نه تنها از تعطیلی و کوچک‌شدن در امان بمانند، بلکه به یکی از پایه‌های احیای تولید و اشتغال تبدیل شوند؟

اقتصاد ایران پس از جنگ، بیش از هر زمان دیگری به حفظ ظرفیت‌های تولیدی و جلوگیری از خروج بنگاه‌ها از مدار فعالیت نیاز دارد. در این میان، صنایع کوچک و بنگاه‌های خرد جایگاهی متفاوت دارند؛ بنگاه‌هایی که اگرچه از نظر اندازه با صنایع بزرگ قابل مقایسه نیستند، اما بخش مهمی از اشتغال، تولید و فعالیت اقتصادی در کشور به آنها وابسته است. به همین دلیل، هر گونه سیاست‌گذاری برای دوره پسا‌جنگ، بدون توجه به وضعیت این بخش، نمی‌تواند تصویری کامل از مسیر بازسازی اقتصاد ارائه دهد.

صنایع کوچک معمولاً نخستین بخش‌هایی هستند که از افزایش هزینه‌های تولید، دشواری تأمین مالی، پیچیدگی مقررات و کاهش قدرت خرید آسیب می‌بینند. یک بنگاه بزرگ ممکن است برای عبور از یک دوره دشوار، از منابع مالی و ظرفیت‌های مدیریتی بیشتری برخوردار باشد، اما برای یک واحد کوچک، افزایش هزینه‌های اداری یا مالیاتی، تأخیر در دریافت مجوز یا تحمیل هزینه‌های پیش‌بینی‌نشده می‌تواند مستقیم به کاهش تولید یا توقف فعالیت منجر شود. بنابراین حمایت از صنایع کوچک الزاماً نباید در قالب تزریق منابع مالی تعریف شود؛ گاهی اصلاح یک رویه اداری می‌تواند اثری بیشتر از یک بسته حمایتی پرهزینه داشته باشد.

رحمان طهماسبی‌فر، کارشناس اقتصاد با اشاره به اقدامات حیاتی در دسترس دولت در زمینه حمایت از بنگاه‌های اقتصادی و صنایع کوچک به **صناعت** گفت: با توجه به اهمیت حفظ اشتغال و نقش ویژه کسب‌وکارهای کوچک و متوسط به خصوص صنایع کوچک در کشور ما، ضرورت دارد که حمایت‌های ویژه‌ای در زمان پس از جنگ تحمیلی سوم و شرایط فعلی اقتصاد کشور انجام پذیرد. نکته بسیار مهم و کلیدی این است که حمایت مستقیم از صنایع کوچک اقتصاد ایران کاملاً در دسترس دولت است و با چند اقدام حیاتی، زمینه رشد جدی و بهبود شرایط این صنایع را رقم خواهد زد. در این بین سه اقدام کلیدی باید در دستور کار دولت قرار گیرد تا با این اقدامات حیاتی، تحولی شگرف در وضعیت صنایع کوچک رقم بخورد.

مالیات؛ نخستین مانع پیش‌روی صنایع کوچک

وی درباره با کلیدی‌ترین اقدام در حوزه حمایت از صنایع کوچک و متوسط در شرایط فعلی اقتصاد کشور خاطرنشان کرد: اولین و کلیدی‌ترین اقدام در حوزه حمایت از صنایع کوچک و متوسط در شرایط فعلی اقتصاد کشور، مسئله مربوط به کاهش فشار مالیاتی به این بخش از اقتصاد است؛ با وجود اقدامات انجام شده در حوزه بهبود شرایط اخذ مالیات و اخذ مالیات از بخش‌های موازی تولید از سوی وزارت اقتصاد، با همه این اوصاف، وضعیت مالیات‌ستانی در کشور با مشکلات فراوانی روبرو است؛ اخذ مالیات‌های متعدد، سخت و پیچیده از منظر تعدد قوانین و مقررات و همچنین نامفهوم و با قابلیت میز‌محوری و دخالت انسانی بالا و مزاحمت‌هایی نظیر اجبار به نگه‌داری دفاتر مالیاتی بخشی از مشکلات نظام مالیاتی فعلی است که همگی منجر به تحمیل هزینه‌های بالا به صنایع خرد و کوچک و همچنین بروکراسی فراوان بر این کسب‌وکارها شده است. بهترین اقدام در این زمینه، جایگزین کردن یک مالیات آسان، ساده و راحت به جای مالیات‌های پیچیده کنونی است. حذف تمامی مالیات‌های درآمدی اخذ شده از صنایع کوچک و جایگزینی آن با مالیات بر تراکنش‌ها با نرخ نیم درصدی از هر تراکنش ورودی و خروجی به حساب صاحبان صنایع کوچک و بزرگ است. به طور عمده، بیشتر کارگاه‌های تولیدی با مشکلاتی نظیر تحمیل مالیات بر ارزش‌افزوده به تولیدکنندگان و اخذ مالیات‌های بالا از حقوق کارکنان، اخذ مالیات از سود و دیگر مالیات‌های درآمدی روبرو هستند که چند دهه درصد از کل منابع صنایع کوچک را در بر می‌گیرد و از همه مهم‌تر، دودین‌های صاحبان صنایع خرد در جهت کاهش مالیات در راهروهای این سازمان است اما با حذف مالیات‌های درآمدی اخذ شده از صنایع کوچک و جایگزینی آن با یک مالیات ساده و آسان از روی هر تراکنش صنایع کوچک و متوسط تنها و تنها یک درصد از کل منابع تولید به عنوان مالیات پرداختی صنایع خرد و کوچک به دولت محاسبه خواهد شد و هیچ هزینه مالیات‌ستانی و فشار میز‌محوری را بر کشور و تولیدکنندگان تحمیل نخواهد کرد و به جای به صورت خودکار و آنی مالیات اخذ خواهد شد. بنابراین اقدام قاطع دولت و وزارت اقتصاد در عبور از مالیات‌ستانی پیچیده و با پایه‌های مالیاتی متعدد و حرکت

موضوع دیگری که نیازمند اصلاح جدی است، رابطه صنایع کوچک با نظام تأمین اجتماعی است. هزینه‌های پیش‌بینی‌نشده مرتبط با قراردادهای حق بیمه می‌تواند همکاری میان بنگاه‌ها را محدود و برون‌سپاری فعالیت‌ها را پرهزینه کند. در شرایطی که بنگاه‌ها به دنبال کاهش هزینه و افزایش بهره‌وری هستند، مقررات بیمه‌ای باید به گونه‌ای طراحی شود که ضمن صیانت از حقوق نیروی کار، فشار مضاعف و غیرقابل پیش‌بینی بر تولیدکننده ایجاد نکند.

اقتصاد پسا‌جنگ برای عبور از مرحله بازسازی، بیش از وعده‌های حمایتی به اصلاحات اجرایی نیاز دارد. دولت می‌تواند با کاهش بروکراسی، ساده‌سازی مقررات، اصلاح فرآیندهای مالیاتی و بازنگری در سازوکارهای بیمه‌ای، بدون تحمیل بار مالی سنگین به بودجه، فضای فعالیت را برای صنایع کوچک بهبود دهد. اگر قرار است تولید و اشتغال در دوره جدید به موتور بازسازی اقتصاد تبدیل شوند، صنایع کوچک باید نه به عنوان بخش حاشیه‌ای، بلکه به‌عنوان یکی از پایه‌های اصلی این فرآیند دیده شوند. حمایت واقعی از این بنگاه‌ها از جایی آغاز می‌شود که دولت بخشی از موانعی را که خود بر سر راه تولید ایجاد کرده است، بردارد.



همکاری بیشتر در اقتصاد کشور ما، مسئله مربوط به «حق بیمه قرارداد» است؛ سازمان تأمین اجتماعی روی همه قراردادهای کاری صنایع کوچک و تمامی تولیدکنندگان ورود می‌کند و مبلغی مضاعف و بسیار بیشتر از

حق بیمه کارگران مشغول به کار در بنگاه اقتصادی را به اسم بیمه کردن کارگران کارهای پیمانکاری از صاحبان بنگاه‌ها طلب می‌کند؛ این موضوع علاوه بر پیش‌بینی‌ناپذیری اقتصاد، تحمیل هزینه‌های هنگفت به تولید، نابودی همکاری بین شرکت‌ها و همچنین کاهش برون‌سپاری کارآمد کارها، موجب تحمیل ناترازی مدیریتی صندوق‌های تأمین اجتماعی به جیب تولیدکنندگان می‌شود؛ از همین رو اگر وزارت رفاه، کار و تعاون به دنبال اقدام حمایتی از صنایع کوچک است؛ باید سازوکار اخذ «حق بیمه قرارداد» را به طور کامل ملغی کند و نظارت‌های پسینی و متقابل در حوزه تعامل بین کارگر با تأمین اجتماعی و کارفرما را اصلاح کند و صرفاً مبتنی بر لیست بیمه رنشدنه بنگاه‌های اقتصادی، از صاحبان صنایع و تولیدی، حق بیمه کارگران را طلب کند و به هیچ وجه نتواند با تحمیل هزینه گزاف به تولیدکنندگان؛ «حق بیمه قرارداد» اخذ کند.

حمایت از صنایع کوچک بدون بار مالی برای دولت

این کارشناس اقتصاد در پایان گفت: این سه اقدام دولت نه تنها نیازی به بودجه دولتی ندارد؛ تنها با چند برنامه‌ریزی اجرایی و به صورت کاملاً رایگان می‌توانند جهشی بزرگ در صنایع خرد و کوچک اقتصاد ایران ایجاد کنند؛ شرط اصلی این است که دولت بخواهد این اقدامات آسان، سریع، در دسترس و کارشناسی شده را انجام دهد و اگر این اقدامات صورت نمی‌پذیرد؛ مستقیماً به خود دولت و عدم وجود نگاه حمایتی در دولت از تولید بازمی‌گردد و گر نه حمایت از صنایع خرد و کوچک بدون تحمیل هزینه به دولت، کاملاً در دسترس است و قابل عملیاتی شدن دارد.

سخن پایانی

تسهیل واقعی صدور مجوزها و بازنگری در سازوکارهای بیمه‌ای می‌تواند بدون تحمیل بار سنگین به بودجه عمومی، بخشی از موانع موجود بر سر راه تولید را برطرف کند. در واقع، دولت پیش از آنکه بسته حمایتی جدیدی طراحی کند، می‌تواند بخشی از هزینه‌ها و پیچیدگی‌هایی را که خود بر فعالیت اقتصادی تحمیل کرده است، کاهش دهد.

دوره پسا‌جنگ فرصتی برای بازنگری در شیوه حمایت از تولید است؛ فرصتی که اگر با اصلاحات اجرایی و کاهش بروکراسی همراه شود، صنایع کوچک می‌توانند از مرحله بقا عبور کرده و به یکی از پیشران‌های احیای تولید، سرمایه‌گذاری و اشتغال در اقتصاد ایران تبدیل شوند.